ادامه از صفحه ۲

خواست مردم اکنون در دیدگاه‌های مراجع تقلید منعکس می‌شود

... شناسایی کردیم و شناسنامه گذاشتیم؛ یعنی الان آقای رئیس‌جمهور به این شناسنامه نگاه کند می‌تواند صدها مدیر شایسته انتخاب کند.

همیشه از آقای رئیسی به‌عنوان یک فرد قاطع در مواجهه با ناهنجاری یاد می‌شود و حالا رئیس‌جمهور شده‌اند. اگر در مقابل، این فرضیه را بپذیریم که قرار است با پدیده دامادها به جای آقازاده‌ها مواجه باشیم؛ یعنی یک اتفاق تازه در جریان سیاسی کشور. آقای رئیسی چه باید بکند؟ شرایط کشور این‌طور نیست که دو، سه سال صبر کنیم و در دقیقه ۹۰ دولت‌ها به تغییر مدیران اقدام کنند.

یکی از شعارهای آقای رئیسی همواره مبارزه با فساد است، اما من بارها گفته‌ام در کل اراده‌ای برای مبارزه با فساد نیست.

این اراده یعنی چه؟ شاید دولت آقای رئیسی بعد از دولت آقای احمدی‌نژاد تنها دولتی بعد از انقلاب است که همه ارکان با ایشان موافق هستند.

یکی از نقاط قوت دولت آقای رئیسی که حتی در دولت احمدی‌نژاد هم نبود، هماهنگی قوای سه‌گانه و نهادهای تحت نظر مقام معظم رهبری است که تاکنون این هماهنگی را نداشتیم. همیشه دولت‌ها با قوه قضائیه یا مجلس درگیر بوده‌اند اما الان مجلس، قوه قضائیه، صداوسیما و نیروهای مسلح به‌ویژه سپاه کاملا با دولت هماهنگ هستند. به‌خصوص اینکه هماهنگی بین سه قوه و رهبری حتی در دوره احمدی‌نژاد تا این حد نبود؛ اما وقتی می‌گوییم مبارزه با فساد، من در یکی از مصاحبه‌ها گفتم ما یک واقعیت‌هایی داریم که دنیاطلبی بر افراد یا حتی بچه‌هایشان حاکم شده است. الان اغلب مسئولان بچه‌هایشان زندگی فوق‌العاده لاکچری دارند و زندگی معمولی ندارند، حتی اگر خودشان زندگی معمولی داشته باشند. این زندگی لاکچری هزینه دارد و این هزینه‌ها از فساد حاصل می‌شود. در خیلی از کشورها نماینده مجلس در حد یک معلم ساده حقوق می‌گیرد. اگر بودجه مجلس را بر تعداد نماینده‌ها تقسیم کنیم، رقم وحشتناکی به دست می‌آید. اینها واقعیت است. به‌تازگی گفته می‌شد استاندار براساس نظر نماینده انتخاب می‌شود، اینکه اصلا فاجعه است، همه اینها فسادآور است.

اینکه گفته می‌شود تمام ارکان حاکمیت همراه دولت است توانمندی و پتانسیل یک انسان است یا مسئله است. به‌هرحال دولتی که موفق نشود موفق نبودنش را به پای همه می‌نویسند.

بله. انتظار مردم از این دولت خیلی بالاست. مردم انتظار دارند همان‌طورکه شعار دادند، همه معضلات را حل کنند، ولی چنین امکانی وجود ندارد. باید واقعیت‌ها را با مردم مطرح کنیم.

پس بهتر نیست آقای رئیسی فکری به حال مقابله با جریان ناشایستگان بکند؟

مسائل اجتماعی، مسائل علمی است نه سلیقه‌ای. برای مبارزه با فساد باید مطالعه کنند و راه‌حل پیدا کنند. اقدامی که آیت‌الله صادق آملی‌لاریجانی راه انداخت، تشکیل دادگاه‌های مبارزه با فساد اقتصادی بود که نتیجه مطلوبی نداشت. بسیاری از آرای دادگاه‌ها در دیوان عالی کشور نقض شد چون قانونمند نبود. متأسفانه هنوز این روش ادامه دارد. این راه‌حل نیست چون علمی نیست و مطالعه و تحقیق نشده که با فساد چطور باید مبارزه کرد. ما برای پیشرفت فوتبالمان از کارشناس خارجی استفاده می‌کنیم. مسئله فساد در دنیا از راه‌های علمی حل می‌شود. چه اشکالی دارد مشاور خارجی بیاوریم که ببیند روزنه‌های فساد کجاست.

مبارزه با فساد می‌تواند امر اخلاقی هم باشد. گفته می‌شود جایی که سیاست‌مدار خودش را ملزم به کار اخلاقی می‌کند، جایی است که با فساد مبارزه می‌کند؛ اما سؤال اینجاست مدیر سیاسی‌ای که بر حسب ضوابط شایسته‌سالاری انتخاب نشده می‌تواند دغدغه‌ای برای مبارزه با فساد داشته باشد؟ این می‌تواند یک راهبرد باشد که تا دیر نشده آقای رئیسی فکری کنند؟

خیلی‌ها با بحث شفافیت موافق نیستند. الان اقداماتی انجام می‌شود، تصمیماتی را که مجلس گرفته می‌بینیم که با شفافیت موافق نیستند و نمی‌خواهند خیلی مسائل روشن شود. این کار خیلی مشکل است. یکی از بزرگ‌ترین معضلات آقای رئیسی مبارزه با فساد است. الان چند دهه است که مقام معظم رهبری تأکید به مبارزه با فساد دارند اما فساد به جای ریشه‌کن‌شدن روزبه‌روز زیادتر شد و فقط در دعواهای سیاسی از شعار مبارزه با فساد صحبت می‌شود، وگرنه مفسدان اقتصادی محکم سر جایشان نشسته‌اند و به کارشان ادامه می‌دهند.

باید از همه ظرفیت‌های ملی حتی ظرفیت ایرانیان مقیم خارج کشور استفاده کنند. آقای رئیسی باید از مشاوران بزرگی که به تعبیر قرآنی حفیظ و امین باشند، کاردان و صادق بوده و از تملق و چاپلوسی به دور باشند، استفاده کند. نه‌تنها آقای رئیسی بلکه هیچ گروه، حزب و تشکلی به تنهایی قادر به حل معضلات کشور نیست. باید با حل معضل برجام و FATF ابرتورم پیش‌رو را حل کنیم و اعتماد مردم به حاکمیت را احیا کنیم.

از ائتلاف‌های نافرجام انتخاباتی تا خلأ مانیفست جامع

ائتلاف اصلاح‌طلبان و ملی‌مذهبی‌ها؟

محمود صادقی: شاید ائتلافی میان راست میانه، اصلاح‌طلبان و نیروهای ملی‌مذهبی ایجاد شود

عکس: احسان قلمچی، شرق

مهرشاد ایمانی: هرچقدر ردصلاحیت‌های گسترده برای ورود اصلاح‌طلبان به عرصه سیاست رسمی مانعی مهم قلمداد می‌شود، پراکندگی نظری نیروهای اصلاح‌طلب و عدم توفیق آنها در رسیدن به یک مانیفست روشن نیز از درون برای آنها مانع تولید می‌کند تا اصلاح‌طلبان نتوانند گفتمانی روشن در سال ۱۴۰۰ از خود ارائه دهند. آنها گرچه در مقاطع مختلف سعی کرده‌اند به این وحدت نظری دست یابند و برای مثال از مقطعی به بعد کوشیدند اختلافشان با چهره‌ای مانند اکبر هاشمی‌رفسنجانی را کنار بگذارند و حتی موفق به وحدت عملی در حوزه ورود به انتخابات شدند؛ اما هیچ‌گاه اختلاف دیدگاه‌های بنیادین بر سر موضوعاتی مانند توسعه سیاسی و اقتصادی میان آنها رفع نشد؛ به‌نوعی وحدت طیف‌های مختلف اصلاح‌طلبی بیشتر نوعی راهبرد استراتژیک برای توفیق انتخاباتی بوده است تا یک ائتلاف یا به‌نوعی هم‌نظری گفتمانی تا از دل آن یک مانیفست جامع بیرون آید. برای مثال ائتلاف اصلاح‌طلبان با نیرویی اصولگرا و البته راست‌گرا در حوزه اقتصادی صرفا از سرِ بیرون‌آمدن از انزوای ناخواسته بعد از حوادث ۸۸ بود که همین ائتلاف زمینه بروز مشکلات عدیده‌ای را ایجاد کرد؛ از جمله نادیده‌گرفته‌شدن اصلاح‌طلبان از سوی دولت روحانی تا جایی که بعد از انتخابات سال ۹۶ علاوه‌بر به‌حاشیه‌رفتن مهم‌ترین نیروی اصلاح‌طلب موجود در دولت، یعنی جهانگیری، گفته شد که روحانی با سبد رأی خود و نه اصلاح‌طلبان روی کار آمد؛ انکاری که خط بطلانی بر همه حمایت‌های اصلاح‌طلبان کشید. البته طبیعی بود که روحانی بیشتر از نیروهای دلخواه خود در دولت استفاده کند، زیرا هر رئیس‌جمهوری برای پیشبرد اهدافش نیروهای مورد اعتماد خود را به کار می‌گیرد؛ بنابراین مشخص است که ائتلاف استراتژیک اصلاح‌طلبان با روحانی به‌دلیل فقدان نزدیکی گفتمانی اثربخش نبود و حتی باعث شد اعتماد عمومی به اصلاح‌طلبان نیز مخدوش شود. همین ائتلاف در سال ۹۴ در عرصه انتخابات مجلس نیز به چشم خورد و اصلاح‌طلبان با ارائه لیست «امید» و با عنوان «ائتلاف فراگیر اصلاح‌طلبان: گام دوم» برای به‌دست‌آوردن حداکثری کرسی‌های مجلس با هر نیرویی ولو کاملا غیراصلاح‌طلب به توافق رسیدند اما آن نیز با شکست مواجه شد و نمایندگانی که از نردبان اصلاحات برای رسیدن به مجلس استفاده کرده بودند، به محض ورود به مجلس یا خود را ذیل مستقلین معرفی کردند یا حتی به‌صراحت در پایگاه متبوع خود یعنی اصولگرایی جای گرفتند؛ چنان‌که ناکامی عارف در چند دوره انتخابات هیئت‌رئیسه مجلس ناشی از رأی برخی نمایندگان لیست امید به علی لاریجانی بود که در نهایت فراکسیون امید که قرار بود یک فراکسیون قدرتمند اصلاح‌طلبی باشد، گاهی به بازوی پنهان اصولگرایان تبدیل می‌شد.

با ذکر این اوصاف می‌توان دریافت که اصلاح‌طلبان در ائتلاف‌های استراتژیک خود چندان کامیاب نبوده‌اند و این گزاره را بسیاری از شخصیت‌های اصلاح‌طلب تصدیق می‌کنند؛ اما اکنون محمود صادقی، از اعضای جبهه اصلاحات ایران، گفته است که امکان ایجاد ائتلافی جدید وجود دارد. او به «ایسنا» گفته است: «برای پیش‌بینی انتخابات ۱۴۰۲ خیلی زود است. دیدگاه شخصی من این است که شاید فضای سیاسی موجود کشور، انگیزه‌ای برای ایجاد ائتلاف فراگیر میان نیروهای سیاسی رانده‌شده از راست میانه تا اصلاح‌طلبان و نیروهای ملی‌مذهبی شود. جریان‌هایی که قائل به حرکت مسالمت‌آمیز و حضور در انتخابات هستند، ولی عرصه برای حضور آنها تنگ شده است. در واقع دغدغه و درد مشترک می‌تواند این جریان‌ها را کنار هم قرار دهد».

این شکل از ائتلافِ تازه‌مطرح‌شده بازهم همان ایرادی را دارد که در گذشته نیز وجود داشته است؛ یعنی اصلاح‌طلبان صرفا برای توفیق انتخاباتی دور یکدیگر جمع شوند و تنها بحث و البته هدف انتخابات باشد ولاغیر، زیرا اصلاح‌طلبان خود یک مجموعه واحد نیستند و در خودشان طیف‌های متعددی وجود دارد که علاوه‌بر اختلاف نظر درباره چگونگی ورود به موضوعات سیاسی روز مانند انتخابات در حوزه‌های نظری مانند نوع نگاه به اقتصاد تفاوت دیدگاه‌های واضحی دارند؛ چه رسد به ائتلاف نیروهای ملی‌مذهبی با راست میانه. اگر حزب کارگزاران و حامیان اکبر هاشمی‌رفسنجانی یا اعتدالی‌ها با محوریت حزب اعتدال و توسعه را راست میانه تلقی کنیم، نیروهای ملی‌مذهبی مهم‌ترین مشکلات بنیادین خود را با ایشان دارند و نوع نگاه آنها به دوران هاشمی‌رفسنجانی بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ از جمله انتقادهایی که آنها نسبت به رویکرد دولت هاشمی در مواجهه با خودشان داشته و دارند و شاید از معدود نیروهای تحول‌خواهی قلمداد شوند که برخلاف عموم اصلاح‌طلبان هنوز هاشمی را تقدیس نمی‌کنند. از طرفی حتی اگر قرار باشد چنین ائتلافی باز هم اصلاح‌طلبان را به قدرت برساند، نقض‌غرضی رخ خواهد داد، زیرا نیروهای نهضت آزادی در تمام این سال‌ها از سوی شورای نگهبان ردصلاحیت می‌شدند؛ شاهد مثالش مرحوم ابراهیم یزدی است که در هر دوره‌ای که برای انتخابات ریاست‌جمهوری نام‌نویسی می‌کرد، ردصلاحیت می‌شد؛ بنابراین اگر منظور از ائتلاف اصلاح‌طلبان، راست‌گرایان میانه و ملی‌مذهبی‌ها، پیروزی در انتخابات است، حتما چنین هدفی محقق نمی‌شود زیرا زمینه ردصلاحیت گسترده‌تر اصلاح‌طلبان فراهم می‌شود؛ اما اگر جلب نظر مردم است که شاید این مقصود نیز حاصل نشود، زیرا اولا مردم خاطره خوشی از ائتلاف‌های اصلاح‌طلبان در ذهن ندارند، ثانیا دغدغه امروز مردم ایران دیگر بحث‌های سیاسی نیست و اقتصاد جایگزین همه‌چیز شده است و شاید مانند میانه دهه ۷۰ برای مردم مهم نباشد که نیروهای رانده‌شده از قدرت دور هم جمع شوند یا خیر.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد مهم‌ترین نیاز جبهه اصلاحات بازگرداندن اعتماد ازدست‌رفته عمومی باشد نه طراحی ائتلاف‌های احتمالی آینده، زیرا تا روشن نشود که دقیقا چه نیروهایی اصلاح‌طلب فرض می‌شوند و جبهه اصلاحات در ابعاد مختلف اعم از سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد و فرهنگ چه دیدگاه‌هایی دارد و چه خط قرمزهایی برای اصلاح‌طلب‌بودن یا خروج از اصلاح‌طلبی وجود دارد مردم با توده‌ای بی‌قاعده از نیروهای سیاسی مواجه‌اند که از هیچ تلاشی برای ورود به قدرت رسمی فروگذار نمی‌کنند؛ حالتی که اتفاقا با اهداف سنتی جبهه اصلاحات در تضاد است، زیرا دولت برآمده از دوم خرداد ۱۳۷۶ برخاسته از مطالبات عمومی مردم بود و جامعه آن زمان خاتمی و اصلاح‌طلبان را نماینده واقعی خواسته‌های خود تلقی می‌کردند؛ این در حالی است که ائتلاف‌های پیاپی کنونی به‌هیچ‌وجه باعث نزدیک‌شدن اصلاح‌طلبان به جامعه نمی‌شود. از سوی دیگر مرجعیت سیاسی در میان اصلاح‌طلبان نیز مخدوش شده است و دیگر حتی سیدمحمد خاتمی نیز نمی‌تواند سرمایه اجتماعی اصلاح‌طلبان را متحد کند که شاهد مثالش دو دعوت او در انتخابات‌های مجلس ۹۸ و شوراهای ۱۴۰۰ و البته دعوت نیم‌بند او برای انتخابات ریاست‌جمهوری ۱۴۰۰ است. با این اوصاف شاید لازم باشد که اصلاح‌طلبان تکلیف جایگاه لیدری در جبهه اصلاحات را نیز معلوم کنند و نه با عبور از خاتمی بلکه با بازتعریف جایگاه حقوقی او در جبهه اصلاحات زمینه وحدت عملی و نظری را فراهم کنند.

در پایان ذکر مجدد این نکته هم خالی از لطف نیست که شاید بزرگ‌ترین دستاورد اصلاح‌طلبان در شرایط کنونی وحدت بر سر مانیفستی جامع باشد تا در آن صورت نه ائتلاف موردی، بلکه یک وحدت فراگیر میان هر نیرویی که آن مانیفست را قبول داشته باشد، ایجاد شود.

اصولگرایان همچنان مدافع حضور ایران در لیست سیاه

شرق: ادامه حضور ایران در لیست سیاه FATF که با واکنش‌های منفی رسانه‌ها و افکار عمومی در داخل کشور همراه شده است، از دید منتقدان پیوستن ایران به گروه اقدام ویژه مالی اهمیتی ندارد؛ زیرا معتقدند مراودات تجاری و مالی ایران به‌خوبی برقرار است. اما سؤال مهم این است که آیا واقعا تبادلات مالی و تجاری بدون مشکل و مانعی در حال انجام است و اگر این‌گونه است، چگونه حتی در تهیه نهاده‌های دامی با چنین مشکلی مواجه شدیم که قیمت مرغ و تخم‌مرغ سر به آسمان گذاشت و خبری از حل مشکلات نبود و نیست؟

مصباحی‌مقدم، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، درباره FATF گفته است: اخیرا این سازمان باز هم نام ایران را در ادامه تصمیمات خود آورده و ایران را به‌عنوان یک دولت غیرهمکار معرفی کرده است و عده‌ای در مطبوعات و رسانه‌ها سروصدا به راه انداخته‌اند، ولی اتفاق تازه‌ای رخ نداده است و دولت‌ها و شرکت‌هایی که با ما کار می‌کردند، باز هم کار خواهند کرد؛ چون احتیاطات خود را دارند و می‌دانند که کشور ما پول‌شویی و تأمین مالی تروریست ندارد و امنیت در کشور ما برقرار است و وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه بر اوضاع امنیتی مسلط هستند. مصباحی‌مقدم ادامه داد: ایران با وجود لیست سیاه هم با کشورها دادوستد می‌کند و روابط مالی دارد و چیزی نسبت به وضعیت گذشته ما فرق نمی‌کند. بله تحریم‌های آمریکا که مستقل از FATF کار می‌کنند، وجود دارند، ولی آنها هم تقریبا از کارایی و خاصیت افتاده‌اند. شاید روزی بسیار اثرگذار بودند، ولی کم‌کم آثار آنها خنثی شده و اثربخشی آن از بین رفته است. آمریکا بر این مطلب اذعان دارد و گاهی صاحب‌نظران و افرادی از کنگره و حتی رئیس‌جمهور به این مطلب اشاره دارند. الحمدلله آن‌طور که گفته می‌شد، نبود و اقتصاد ایران فلج نشد. این سخنان در حالی بیان شده است که ایران در سال گذشته نزدیک به چهار میلیارد دلار بیش از صادرات غیرنفتی خود کالا وارد کرده است. مطابق تازه‌ترین گزارش بانک مرکزی، تراز تجاری ایران در سال ۹۹ فقط در ماه مهر مثبت و در تمام ماه‌های دیگر منفی بوده است. صندوق بین‌المللی پول در برآوردهای خود از وضعیت تجارت خارجی جمهوری اسلامی در سال گذشته، منفی‌بودن تراز واردات و صادرات را پیش‌بینی کرده بود که طبق آمار بانک مرکزی این‌گونه هم شده است. دقیقا در روزهایی که مجمع فرصتی برای بررسی و اعلام نظر در رابطه با دو لایحه سی‌اف‌تی و پالرمو در نظر نمی‌گرفت، شرایط تجاری و مالی ایران در سراشیبی قرار داشت و حتی کشورهای دوست مانند همسایگان و حتی روسیه نیز به ایران هشدار می‌دادند که برای داشتن رابطه مالی و تجاری خروج از لیست سیاه الزامی است.

تراز تجارت خارجی کشورها یکی از شاخص‌های مهم سنجش توانمندی اقتصاد آنها به شمار می‌رود. تراز مثبت تجارت خارجی به معنای ارزآوری و افزایش توان سرمایه‌گذاری و قدرتمندشدن پول ملی است. از اردیبهشت ۹۷ که آمریکا از توافق هسته‌ای خارج شد و تحریم‌های تعلیق‌شده علیه جمهوری اسلامی دوباره اعمال شدند، مراودات تجاری ایران با شریکان و طرف‌های اصلی تجاری آن مانند چین، کره‌جنوبی و هند نیز دچار اختلال شد. تأثیر تحریم‌ها در منفی‌شدن تراز تجارت خارجی ایران در سال ۹۸ نیز آشکار شد. میزان صادرات در این سال ۴۱میلیاردو ۳۷۰ میلیون دلار در برابر ۴۳میلیاردو ۷۳۵ میلیون دلار واردات بود.

با این حساب، کسری تجاری ایران در دادوستد خارجی در دو سال گذشته شدیدتر شده و از دومیلیاردو ۳۶۵ میلیون دلار در سال ۹۸ به حدود چهار میلیارد دلار در سال گذشته رسیده است. تبعات سنگین دورزدن تحریم‌ها برای کشورهای طرف معامله با ما، انگیزه طرف‌های خارجی را به‌شدت کاهش داده و حتی عضویت در پیمان شانگهای نیز در نهایت با ماندن ایران در لیست سیاه آورده چشمگیری برای ما نخواهد داشت؛ زیرا همه کشورهای عضو ملزم به پیوستن به FATF هستند. ایران و کره‌شمالی تنها کشورهایی هستند که همچنان اصرار بر عدم عضویت در گروه اقدام ویژه مالی را دارند. البته چندی پیش مصباحی‌مقدم گفت: به هر دلیلی اگر تحریم‌های آمریکا لغو شود، ممکن است FATF در مجمع دوباره بررسی شود. مسئله ما تحریم‌های آمریکاست و اگر این تحریم‌ها نباشد، ما نگرانی‌های کمتری خواهیم داشت. درحالی‌که انتظار می‌رفت با آمدن دولتی اصولگرا، بررسی لوایح FATF سرعت گیرد و برای خروج ایران از لیست سیاه گروه اقدام ویژه مالی اقداماتی جدی انجام شود، اما نه ایران رسما به مذاکرات وین بازگشته و نه بررسی این لوایح شروع شده است. در همین مدت، مردم تورم کمرشکنی را تحمل کرده‌اند و حتی مراجع نیز به نقد وضعیت اقتصادی نابسامان پرداخته‌اند. اصولگرایان که همه مشکلات اقتصادی را به دولت روحانی مربوط می‌دانستند، در انتخابات ریاست‌جمهوری از حل سریع همه مشکلات در دولت اصولگرای سیزدهم خبر می‌دادند، اما تاکنون نه‌تنها مشکل تورم کنترل نشده بلکه تقریبا از دست خارج شده و شرایط بسیار سخت‌تر از روزهای پایانی دولت دوازدهم است. اوایل دی‌ماه سال گذشته بود که آملی‌لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، از آغاز بررسی مجدد لوایح FATF در مجمع خبر داد و گفت: حسب ارجاع مقام معظم رهبری، بررسی مجدد این لوایح در دستور کار قرار گرفته و اعضای مجمع فارغ از فضاسازی‌های مختلف از سوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی و در جهت مصالح و منافع مردم و کشور، آن را بررسی خواهند کرد. شرایط برای بررسی در حال مهیاشدن بود و احتمال تصویب لوایح هم وجود داشت، اما خبری مبنی‌بر بررسی لوایح در صحن منتشر نمی‌شد و تعطیلی‌های کرونایی هم مانع از تشکیل منظم جلسات مجمع بود تا اوضاع به کام اصولگرایان مخالف این لوایح ادامه یابد. هرچند محمدرضا باهنر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، به خبرگزاری برنا گفته بود: «فکر می‌کنم ظرف ۱۵ روز آینده «لوایح FATF» به صحن مجمع بیاید و امیدواریم مجمع نظر خوبی براساس منافع ملی داشته باشد. به نظر من، FATF به احتمال زیاد تصویب می‌شود، ولی حق تفحص‌ها باید در کنار این موضوع بررسی شود که امروز هم فقط حق تفحص‌ها مورد بررسی است». اما با گذشت ماه‌ها خبری از بررسی لوایح نیست و تداوم حضور ایران در لیست سیاه، هم برای اصولگرایان خوشایند بوده و هم برای کاسبان تحریم و فقط مردم ایران در شرایط نابسامان اقتصادی مجبور به گذران سخت زندگی خود هستند.

شمارهٔ ۷۶ اندیشهٔ پویا منتشر شد

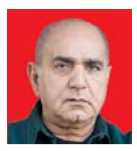

گاهی نخبه‌کشی می‌کنیم

گفت‌وگوی جواد طوسی با پرویز پرستویی

سیاستمدار رمانتیست

پرونده‌ای دربارهٔ سیدحسین فاطمی که «شهید آزادی» خوانده می‌شود با نوشتارهایی از جلال توکلیان، حمید شوکت، علیرضا رجایی احمد زیدآبادی به همراه نامه‌های دکتر فاطمی به همسرش در دوران دربه‌دری

محصور در تاریکی

گزارش «اندیشهٔ پویا» از روزگار زنان افغان زیر سایهٔ طالبان

ذهن آتشین ویتگنشتاین

جستاری به مناسبت ۱۰۰ سالگی «رسالهٔ منطقی ـ فلسفی»

صیاد دل‌ها

کلاس‌های سه‌شنبهٔ محمدرضا شفیعی کدکنی در دانشکدهٔ ادبیات به قول قیصر امین‌پور «پایتخت جهان» است

با روایت‌هایی از شاگردان: محمد افشین‌وفایی، مریم حسینی، معصومه امیرخانلو، مریم مشرف، مهدی علیائی‌مقدم

موسیقی بنده‌پرور را دوست دارند، موسیقی آزاد را نه

گفت‌وگوی منتشرنشدهٔ امید روحانی با محمدرضا شجریان پیش از آخرین سفر استاد به امریکا و وداع با فعالیت هنری

روشنفکر خلاف جریان

گزارشی از جدل‌های مطبوعاتی موافقان و مخالفان نیما یوشیج به مناسبت سالگرد تولد او با نوشته‌هایی از صدرالدین الهی و جلیل دوستخواه

معتقد به صداقت سرد روشنفکری‌ام

گفت‌وگو با نادر انتخابی به مناسبت انتشار کتاب تازه‌اش

غبارهای سوءظن

یادداشتی از همایون کاتوزیان در ۲۰ سالگی یازدهم سپتامبر

خبر

سیدحسن خمینی:

مدیران نسل قبل از فضای مجازی می‌ترسند

جماران: حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی با اشاره به اقتضائات دنیای جدید ازجمله فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی گفت: عمده‌ترین دلیل اینکه مدیران نسل قبل وارد این فضا نمی‌شوند، این است که چون این فضا را نمی‌شناسند، از آن می‌ترسند و نمی‌دانند چیست. اینکه ما از پشت‌سر به‌دنبال یک حادثه می‌رویم و به دل حادثه نمی‌زنیم، به دلیل این است که با آن آشنایی نداریم. او تأکید کرد: اگر ابلاغ رسالت الهی و انتقال ارزش‌ها مدنظر ماست، نباید از ورود به این فضا بترسیم. البته این‌گونه هم نیست که اگر سراغ این دنیای جدید نرویم، سراغ ما نمی‌آید! بلکه ما را دربر می‌گیرد. ما چه بخواهیم چه نخواهیم، چه خوب و چه بد، باارزش یا بی‌ارزش، دنیای دیگری خواهد آمد و این روند دست ما نیست. یادگار امام افزود: از پلتفرم‌ها و فضاهای موجود باید به بهترین نحو استفاده کرد، ولی شرط آن، این است که از عظمت این فضا و نادانسته‌های خود در این خصوص نترسیم، بلکه باید وارد این عرصه سخت شد.

ادامه از صفحه اول

در حاشیه گزینش استاندار کردستان

۲- با توجه به احتمال عدم آگاهی عضو نهاد نظارتی از قصد و نیت و هدف برگزارکننده جلسه با او و با هدف ابهام‌زدایی از این اتفاق، پیشنهاد می‌شود نهاد نظارتی بر مجلس به روشنگری پرداخته و اطلاعات روشنی از این رویداد منتشر کند که این دیدار با چه هدفی و در چه تاریخی و توسط چه کسی و چگونه صورت گرفته است؟ و چه مطالبی در جلسه طرح شده است؟

۳- استان کردستان یکی از استان‌های کمتر برخوردار کشور است که نیازمند توجه بیشتر مسئولان اجرائی است. انتخاب استاندار شایسته و باکفایت یکی از ضروریات و ملزومات توجه به توسعه این استان است. هر نوع رویکردی برای انتخاب استانداران بدون توجه بر تخصص و دانش و شایستگی و توانایی و سابقه مدیریتی می‌تواند ضربات مهلکی بر روند توسعه این استان وارد کند؛

بنابراین شایسته است مسئولان وزارت کشور و دولت دراین‌باره با دقت و ظرافت عمل کنند و البته نسبت به مدیریت موضوع و برخورد با فردی که با استفاده از روابط شخصی خود با یکی از اعضای نهاد نظارتی قصد استفاده از این موقعیت را داشت تا به‌عنوان استاندار انتخاب شود برخورد و با اطلاع‌رسانی شفاف دراین‌باره، زمینه سوءاستفاده از این دست روابط را محدود کنند.